



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۱۲/۰۳

حنیف رهیاب رحیمی

لویه جرگه؟؟

درین روزها یک عده افراد و گروه های مخالف داکتر اشرف غنی در زمینه های مختلفی چون ضعف دولت در اداره اوضاع امنیتی، تشدید فعالیت های دهشت افغانان، مشکلات بیکاری و کمبود برق و غیره، درزی را یافته اند و کوشش می کنند به هر شکلی شده از موقع استفاده نموده این درز را به شگاف و بالاخره بیک گودال مبدل بسازند و گوهر مقصود را بدست بیاورند. همچنان کوشش می کنند که احساسات مردم را نیز درین گیر و دار بیازمایند، اما نمی دانم چرا باور نمی کنند که یکی شان هم سابقه خوبی ندارند تا مردم بالای شان اعتماد نمایند.

در رأس این حرکت عجولانه آقای حامد کرزی رئیس جمهور پیشین کشور قرار دارد زیرا موصوف لذت رئیس جمهور و شخص اول بودن یک کشور را خوب مزه کرده و در شرایطی مزه کرده که جامعه جهانی برای از بین بردن پدیده وحشت آفرین تروریزم ملیون ها دالر را بسوی این شخص به اصطلاح باد کردند تا هرچه زود تر با استفاده از این کمک های مادی و معنوی، دست بکار شود و بازوی این هیولای نابود کننده را از شانه قطع نماید.

اما تاریخ سوگوار سیزده سال ریاست آقای کرزی ثابت ساخت که این شخص نه تنها در از بین بردن تروریزم و خشک نمودن ریشه آن کدام کار سودمندی را انجام داد بلکه تمام آن کمک های وافر و بی حساب را با جمعی از رفیقان و اندیوالان لنده غرش، حیف و میل نموده در بانکهای خارج به حساب های شخصی شان پس انداز نمودند.

می دانم که نوشتن این واقعیت ها برای هر هموطن ما تکرار در تکرار شده و در راست بودن آن هم کدام شک و شبه نزد هیچکس موجود نیست و همه از آن بخوبی واقف اند. اما درینجا تکرار آن بخاطری لازم دانسته شد که این شخص یعنی حامد کرزی و تیم استفاده جویش پس از اینهمه خیانت بزرگ و جفای نابخشودنی که در حق مردم و کشور ما روا داشتند، از خوش باوری، صداقت، وفاداری و حیای مردم سوء استفاده نموده با کمال بی شرمی و وقاحت، گاهی خود را به دامن روسیه می اندازد، گاه چاپلوسی رهبران چین را می نماید، با پاکستان خو مشکلی نیست آنها یاران و بادران قدیمی اش هستند و گاهی هم آشکارا و پنهان به دستبوسی آیندهای ایران می رود و پیشانی وفاداری و آستان بوسی را بر درگه آنان می ساید.

به اهتمام ولی احمد نوری

هر تأریخ خوان کشور بخوبی می تواند قضاوت کند که زمامداران بی شرم، خاین، فروخته شده، متعهد به بیگانه در تأریخ کشور ما گذشته اند اما تا این اندازه چشم سفید و بی حیا را تأریخ کشور به حافظه ندارد که هم دزدی کند، هم با دزد کمک کند و هم فریاد می زند که دزد دزد.

و اینک ما شاهد یک دیده درایی دیگر این دلک سیاسی کشور هستیم که در حالیکه به هیچ چیزی از منافع ملی اعتقاد ندارد، باز هم از آخرین امکانات یعنی از سنن و عقاید مردم سوء استفاده نموده و بخاطر رسیدن دوباره بقدرت، برای برگزاری لویه جرگه عرق می ریزاند و چند تن همکاران و هم پیکان قدیم را دورش جمع نموده حالت آسیب پذیر و حساس کشور را بی امن تر و آسیب پذیر تر می سازد. برای اینگونه افراد هیچ فرق نمی کند که به قدرت رسیدن شان برای ملت چقدر زیانبار تمام می شود، آنها فقط در فکر رسیدن به قدرت اند و بس.

آقای حامد کرزی، ملت افغانستان این سوالات را از شما دارند، جواب بدهید:

- شما در پیشاپیش نیروهای امریکا و ناتو، بی شرم تر از ببرک کارمل و بی شرم تر از شاه شجاع، وارد افغانستان شدید و قدرت سیاسی را بدست گرفتید.
- برای یکی دو سال اول تمام بادیگارد ها و محافظین تان امریکایی ها و نیروهای خارجی بودند.
- در ظرف ده سال زمامداری تان، ملیون ها دالر کمک های جامعه جهانی را با برادران و رفیقان خاص تان حیف و میل کردید و کوچکترین کار مثبت بخاطر مردم فقیر و آواره کشور انجام ندادید.
- در تمام مدت زمامداری، پیشانی تان را از آستان چرب و چتل پاکستانی ها بر نداشتید و تا آخر غلام وفادار باقی ماندید.
- یکروز هم برادری تانرا از طالب های وحشی و بی سواد این قاتلین مردم افغانستان پنهان نکردید و تا توانستید آنها را رشد داده، قوت بخشیدید.
- از رژیم آخوند های ایران چندین سال متواتر بی شرمانه رشوت گرفتید. از آخندهایی که دشمنی شانرا در طول سالها هرگز نتوانسته اند با کشور و مردم ما پنهان نمایند.
- به همه خود را خوب بچه نشان دادید: بالای سر جورج بوش چتری گرفتید، دست پاپ را بوسیدید، نزد پادشاه عربستان قامت تان را خم کرده دولا شدید، با رئیس جمهور فرانسه و ایتالیا شمپاین نوشیدید، حج رفتید و ...
- یک یک اوامر و دساتیر بادران امریکایی تان را گوش کردید و با دل و جان آنرا عملی ساختید.
- اما در دو سال اخیر سلطنت، ناگهان نقاب دیگری بر چهره کشیدید، یکی و یکبار به یک شخصیت ملی مبدل شدید.
- وطنپرست، ملی، مردم دوست، ضد امریکایی، افغان و باغیرت. برای مردم و برای آینده میرویس جان پسر تان در محضر عام حق زده گریه ها کردید. و
- کتاب خبث ترا آب بحر کافی نیست - که تر کنم سر انگشت و صفحه بشمارم.

همه به یاد دارند که برای امضای پیمان امنیتی با ایالات متحده، زمینه ها را فراهم و لویه جرگه را به مصرف گزافی دایر ساختید، تا مردم، نمایندگان مردم، بزرگان و موسفیدان کشور در مورد امضا کردن و نکردن پیمان، نظر بدهند و به این ترتیب برای روز مبدا مسئول شناخته نشوید.

درین جرگه که همه اعضای آن به انتخاب و رضائیت شما گرد هم جمع شده بودند، همه یکصدا فریاد زدند که پیمان را امضا کنید، امضا کنید، پیر و مرشد تان خود را به مکروفون رساند و بالایت امر کرد که «امژا کو!».

اما آقای کرزی!!!!

آنروز به لویه جرگه، به خوااهش نمایندگان مردم و بزرگان و پیر مرشد تان به اندازه پشم ارزش ندادید و از امضای قرار داد امنیتی ابا ورزیدید. پس باز لویه جرگه یعنی چه؟

این را حتی یک کودک هم می داند که: با فریاد براه انداختن تدویر لویه جرگه برای تحقق اهداف تان چه پلان هایی در کله بی مغز تان می گذرد. مردم نا فهم نیستند.

تقریباً سه سال از آخرین لویه جرگه بی نتیجه و بی فیصله در کشور می گذرد. چقدر مزخرف است در پی دایر کردن دوباره آن بودن.

؟ ؟ ؟ ؟ ؟ ؟ ؟

